

بررسی تطبیقی فرایندهای بزرگ‌سازی در زبان‌های فارسی و ژاپنی در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ارزش‌گذار

رضا مقدم‌کیا*

دانشیار زبان‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه زبان‌های عمومی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 Email: rzmsk@ut.ac.ir



سید آیت حسینی**

استادیار زبان و ادبیات ژاپنی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 Email: ayathosseini@ut.ac.ir



چکیده

پژوهش حاضر به معرفی، تحلیل و مقایسه فرایندهای بزرگ‌سازی در دو زبان فارسی و ژاپنی در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ارزش‌گذار می‌پردازد. در این نظریه ساخت‌هایی که خودآگاه یا ناخودآگاه ارزش مصداق یا مخاطب را از دیدگاه گوینده و به داوری او منتقل می‌کنند «ساخت‌های ارزش‌گذار» نامیده می‌شوند. ساخت‌واژه از مهمترین سطوح زبانی برای تحقق ارزش‌گذاری است که امکانات فراوانی را در اختیار گویندگان هر زبان قرار می‌دهد. از جمله این امکانات می‌توان به فرایندهای کوچک‌سازی (تصغیر) و بزرگ‌سازی (تکبیر) اشاره کرد که در زبان‌های مختلف برای تولید ساخت‌های ارزش‌گذار بکار برده می‌شوند. از آن‌جا که کوچک‌سازی در تعداد بیشتری از زبان‌ها مشاهده می‌شود و اغلب با افزودن وندهای خاص به انجام می‌رسد، بیشتر از بزرگ‌سازی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. برای مثال، در زبان فارسی پژوهش‌هایی در مورد کوچک‌سازی انجام شده است، اما به سازوکارهای بزرگ‌سازی، جز به صورت پراکنده در برخی کتاب‌های دستور زبان اشاره‌ای نشده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد با این که دو زبان فارسی و ژاپنی به لحاظ تکوینی به دو خانواده متفاوت تعلق دارند و به لحاظ رده‌شناسی در دو دسته متفاوت جای می‌گیرند، اما هر دو به شکلی بسیار مشابه از دو سازوکار ترکیب و دوگان‌سازی برای بزرگ‌سازی بهره می‌برند. مقاله حاضر بزرگ‌سازی با دو فرایند ترکیب و دوگان‌سازی را در فارسی و ژاپنی به تفصیل بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷
 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷
 تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹
 نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

بزرگ‌سازی، ساخت‌واژه
 ارزش‌گذار، فارسی، ژاپنی،
 ترکیب، دوگان‌سازی

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.305146.733 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

حسینی، سید آیت، مقدم‌کیا، رضا (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی فرایندهای بزرگ‌سازی در زبان‌های فارسی و ژاپنی در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ارزش‌گذار. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰)، ۴۳۴-۴۴۷.

Moghadam Kiya, Reza, Hosseini, Seyyed-Ayat (2020). A comparative study of augmentation processes in Persian and Japanese Languages Based on the Theory of Evaluative Morphology. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 434-447.

DOI: 10.22059/jflr.2020.305146.733

* رضا مقدم‌کیا زبان‌شناسی همگانی و زبان انگلیسی عمومی تدریس می‌کند و حیطه پژوهشی‌اش تحلیل گفتمان، ترجمه و زبان‌شناسی تطبیقی است.
 ** سید آیت حسینی، استادیار زبان و ادبیات ژاپنی در دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران است. حیطه پژوهشی ایشان زبان‌شناسی تطبیقی است.

A comparative study of augmentation processes in Persian and Japanese Languages Based on the Theory of Evaluative Morphology



Reza Moghaddam Kiya*

Associate professor of Linguistics and a member of teaching staff at the Faculty of Foreign Languages, University of Tehran, Tehran, Iran
 Email: rzmsk@ut.ac.ir



Seyyed-Ayat Hosseini**

Assistant professor in the Department of Japanese Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran
 Email: ayathosseini@ut.ac.ir

ABSTRACT

The current study is aimed at analyzing and comparing augmentation processes in Persian and Japanese languages based on the theory of evaluative morphology. According to evaluative morphology, a linguistic construction is evaluative if it conveys (consciously or subconsciously) a type of value of the referents or audience, according to the speaker's judgment. Morphology provides the speakers of a language with different means and ways for expression of evaluation in language and plays a dominant role in the formation of evaluatives. Diminutives and augmentatives are two main forms of evaluation in languages. As diminutives are much more common in languages and are generally formed by affixes specifically developed for this function, they are also investigated more pervasively than augmentatives. This is also true for Persian and Japanese linguistics where augmentatives, at least in the case of Persian, have so far been neglected or have only been sporadically touched upon in grammar books. The findings of this study showed that although Persian and Japanese belong to two different language families and are typologically placed in two different language types, both use compounding and reduplication as two dominant mechanisms for producing augmentatives. The present study aims to provide a detailed examination and comparison of these two mechanisms for the formation of augmentatives in two languages.

DOI: 10.22059/jflr.2020.305146.733

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:
 Received:
 27th, June, 2020
 Accepted:
 5th, July, 2020
 Available online:
 Summer 2020

Keywords:

Evaluative Morphology, Persian, Japanese, Compounding, Reduplication

Moghaddam Kiya, Reza, Hosseini, Seyyed-Ayat (2020). A comparative study of augmentation processes in Persian and Japanese Languages Based on the Theory of Evaluative Morphology. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 434-447.
 DOI: 10.22059/jflr.2020.305146.733

* Reza Moghaddam Kiya teaches General Linguistics and General English courses. His areas of interest are Persian discourse analysis, translation theory and practice and comparative linguistics.

** Seyyed-Ayat Hosseini is assistant professor in the Department of Japanese Language and Literature, at University of Tehran.

۱. مقدمه

مطالعه تطبیقی مقوله‌ها در سطوح مختلف دو زبان فعالیتی است که در گستره زبان‌شناسی مقابله‌ای به‌انجام می‌رسد و دستاوردهای حاصل از اینگونه پژوهش‌ها، بویژه می‌تواند در آموزش زبان مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. در همین راستا، مقاله حاضر به بررسی و مقایسه فرایندهای بزرگ‌سازی (تکبیر) (augmentation) در دو زبان فارسی و ژاپنی اختصاص دارد. پیش از معرفی انواع این ساخت‌ها در این دو زبان لازم است ابتدا مفاهیم ارزش‌گذاری، ساخت‌واژه ارزش‌گذار و به‌طور خاص مفهوم بزرگ‌سازی را تعریف کنیم تا در این زمینه به معیارهای مشخصی برای معرفی و مقایسه این عناصر در دو زبان فارسی و ژاپنی دست پیدا کنیم.

ارزش‌گذاری (زبانی) فعالیتی است که گویندگان زبان هر روزه با بهره‌گیری از ساخت‌ها و صورت‌های زبانی مختلف انجام می‌دهند و ارزش، اعتبار، یا نقطه قوتی را به چیزی، فعالیتی، یا کسی نسبت می‌دهند. ارزش‌گذاری را می‌توان به‌روش‌های مختلف واژگانی، نحوی یا ساخت‌واژی محقق کرد (Hunston & Thompson هانستون و تامسون، ۲۰۰۰). به بیان دیگر، در زبان‌های بشری، واژگان ارزش‌گذار، نحو ارزش‌گذار، و ساخت‌واژه ارزش‌گذار وجود دارد. گراندی (Grandi) نیز اشاره می‌کند که ارزش‌گذاری از سطح واژگان فراتر می‌رود و در صورت‌های زبانی دیگر تجلی می‌یابد، اما ساخت‌واژه نقش غالب را در تولید ساخت‌های ارزش‌گذار دارد (گراندی، ۲۰۱۷، ۳).

اگرچه مطالعه ساخت‌واژه در زبان‌ها بطور سنتی به‌دو گستره اشتقاق و تصریف تقسیم می‌شده است، اما در نتیجه پژوهش‌هایی که در چند دهه گذشته درباره عناصر ارزش‌گذار در زبان‌های مختلف به‌انجام رسیده است، گستره‌سومی به‌نام «ساخت‌واژه ارزش‌گذار» (evaluative morphology) در آثار و پژوهش‌های این گستره به‌جای «ساخت‌واژه ارزش‌گذار» از برجسب‌های دیگری چون داوری انتقادی (appretiative)، ساخت‌واژه بیانی-عاطفی (expressive)،

ساخت‌واژه اصلاحی (alterative) نیز استفاده شده است.

به‌دو گستره قبلی اضافه شده است. وجود گستره سوم در ساخت‌واژه را اول‌بار اسکالیس (Scalise، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶) مطرح کرد. او در جریان مطالعه فرایندهای ساخت‌واژی در زبان ایتالیایی مشاهده کرد؛ وندهایی که در آن زبان برای کوچک‌سازی (تصغیر، diminution) و بزرگ‌سازی به‌کار برده می‌شوند، ویژگی‌هایی متفاوت از وندهای تصریفی و اشتقاقی دارند. از این رو، پیشنهاد کرد که اینگونه ونداها در ساخت‌واژه ارزش‌گذار بررسی و واکاوی شوند. در دیدگاه او، ساخت‌واژه ارزش‌گذار باید عناصر و گفتارهایی را در ساخت‌واژه زبان‌ها بررسی کند که اگرچه ویژگی‌های مشترکی با عناصر دو گستره تصریف و اشتقاق دارند، اما ویژگی‌های متفاوتی نیز دارند که آن‌ها را از گفتارهای دو گستره دیگر متفاوت می‌کند.

از این رو، در ساخت‌واژه ارزش‌گذار مجموعه‌ای گسترده و متنوع از ساخت‌های زبانی بررسی می‌شوند که نقش‌های معنایی متفاوتی چون کوچک‌سازی، بزرگ‌سازی، تضعیف/تقریب (attenuation/approximation)، تشدید، تحیب (endearment)، تحقیر (contempt) و نمونه‌اصلی-بودن (prototypicality) را در زبان ایفا می‌کنند. بایسته یادآوری است که این نقش‌ها همواره با وندافزایی محقق نمی‌شوند، بلکه ممکن است از امکانات ساخت‌واژی دیگری چون ترکیب، دوگان‌سازی (یا تکرار، reduplication)، تغییر درونی در ریشه کلمات، تغییر در جنس دستوری، تغییر در نواخت و گاه از ترکیبی از دو یا چند روش برای تولید اینگونه ساخت‌ها استفاده شود (گراندی، ۲۰۱۷ ص ۲-۳).

و سرانجام، بزرگ‌سازی فرایندی است که طی آن یک عنصر ارزش‌گذار، به‌واژه پایه افزوده می‌شود و موجب می‌شود که صورت واژگانی حاصل از آن فرایند، شدت یا افزایش را در یک یا چند ویژگی مربوط به‌واژه پایه (مثلاً، اندازه، مقدار، یا ویژگی‌های دیگر) نشان‌دهد. در بزرگ‌سازی یک شیء یا مفهوم ممکن است یا براساس ویژگی‌های عینی-اش (شکل، ابعاد...) ارزش‌گذاری شود یا براساس احساسی

(default) را بیان می‌کنند و ارزش پیش‌گزیده نیز، خودش نسبی و زبان‌ویژه است و ممکن است از فرهنگ، سنت‌های جامعه گفتاری، و تجارب افراد تأثیر بپذیرد.

که گوینده به آن دارد (یعنی بر مبنای معیارها و موازینی که ذهنی و فردی است).

۲. بحث و بررسی

۱-۲. بزرگ‌سازی در ساخت‌واژه زبان فارسی

با اینکه در بسیاری از کتاب‌های دستور زبان فارسی به‌پدیده کوچک‌سازی با عنوان تصغیر یا اسم مصغر اشاره شده است و وندهای مختلف کوچک‌ساز و معانی آن‌ها معرفی شده‌اند، اما در بیشینه این کتاب‌ها؛ به‌بزرگ‌سازی اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که ترکیب‌های بزرگ‌ساز نیز، هرچند نه به‌گسترده‌گی ساخت‌های کوچک‌ساز، در زبان فارسی به‌چشم می‌خورند و معانی مختلفی چون افزایش، تشدید، تحبیب، و تحقیر را منتقل می‌کنند.

ترکیب و دوگان‌سازی مهم‌ترین فرایندهای بزرگ‌سازی در زبان فارسی‌اند. از ترکیب برای ساختن واژه‌های جدید و از جمله برای تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز به‌وفور استفاده می‌شود. مطالعه ساختمان واژه‌های مرکب نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها، در اصل، ساخت‌های نحوی بوده‌اند که در نتیجه بالا بودن بسامد باهمایی برخی از واژه‌ها، این ساخت‌ها به‌مرور نشانه‌های نحوی همراه خود را از دست داده‌اند و به‌واژه مرکب تبدیل شده‌اند (شقایق، ۱۳۸۶). وجود نمونه‌هایی از ترکیب‌های نحوی با واژه‌های «مادر» و «شاه» در زبان فارسی امروز (مانند، مادر جنگ‌ها، یا شاه مردان) که معنی آن‌ها به‌یکی از معانی بزرگ‌سازی نزدیک است، شاهدی است بر این مدعا که برخی از ساخت‌های بزرگ‌ساز، پیشتر ترکیب نحوی بوده‌اند.

نکته دیگر درباره واژه‌های مرکب آن است که این واژه‌ها از نظر معنایی ممکن است درون‌مرکز (endocentric) یا برون‌مرکز (exocentric) باشند. در واژه مرکب درون‌مرکز یکی از واژه‌ها هسته و دیگری توصیف‌گر یا محدودکننده است، اما در واژه مرکب برون‌مرکز، هیچ‌کدام از واژه‌ها هسته نیستند؛ بلکه هر دو واژه توصیف‌گرند و بیشتر چنین واژه‌های

هانستون و تامسون در زمینه تشخیص ارزش‌گذاری تأکید می‌کنند که در باره حد و حدود، دسته‌بندی و تعریف آن، میان زبان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. مطابق نظر آن‌ها برای تشخیص ارزش‌گذاری باید «به‌علائمی توجه کرد که نشان می‌دهند یک چیز با هنجار مقایسه شده است، یک ارزش اجتماعی بیان شده است، یا یک نظر و ارزیابی شخصی مطرح شده است» (هانستون و تامسون، ۲۰۰۰: ۱۳). گرانندی (۲۰۰۲: ۵۲) نیز می‌گوید، یک‌عنصر ارزش‌گذار، ارزشی را به‌یک مفهوم نسبت می‌دهد که متفاوت از «هنجار» است و ارزش نسبت‌داده‌شده دست‌کم یکی از چهار معنای اصلی کوچک، بزرگ، خوب، و بد را بازنمایی می‌کند. مطابق نظر او نقش‌های معنایی ساخت‌های ارزش‌گذار را می‌توان در دو طبقه سازماندهی کرد: نقش‌هایی که ارزش‌گذار توصیفی (یا کمی)‌اند و نقش‌هایی که ارزش‌گذار کیفی (یا نظر شخصی)‌اند. به‌بیان دیگر، یک چیز (شیء، شخص، عمل...) ممکن است یا بر اساس ویژگی‌های عینی‌اش (ابعاد، شکل، ...) ارزیابی شود (همان معنی اصلی کوچک در برابر بزرگ) یا بر اساس احساس گوینده و معیارهای ذهنی‌اش (که همان معنای اصلی «خوب در برابر بد» است که کل طیف معانی تشدید، تحبیب، تضعیف، تحقیر و مانند آن‌ها را در بر می‌گیرد).

با وجود این، باید در نظر داشت که در ساخت‌های ارزش‌گذار، معانی توصیفی (بزرگ در برابر کوچک) و معانی ذهنی (خوب در برابر بد) اغلب هم‌وقوعی دارند و تمایز گذاشتن میان تعبیری صرفاً کمی یا صرفاً کیفی دشوار است. به‌همین سبب، کورت‌ولیسسی (Körtvélyessy, ۲۰۱۲) رویکردی را به‌ساخت‌واژه ارزش‌گذار مطرح کرده است که بر اساس آن، ساخت‌واژه ارزش‌گذار را می‌توان یک پیوستار دانست که در آن نمونه‌های اعلائی کوچک‌ساز و بزرگ‌ساز معانی کمی کم‌تر یا بیشتر از ارزش یا هنجار پیش‌گزیده

تاریخ ایران داشته‌اند، جای تعجب نیست که این واژه در زبان فارسی به‌عنصری مهم در ساخت‌های بزرگ‌ساز با معانی مختلف تبدیل شده است. در فرهنگ‌های مختلف زبان فارسی و از جمله در فرهنگ دهخدا در ذیل مدخل «شاه» معانی اصلی و مجازی این واژه ذکر شده است. همه این فرهنگ‌ها معنی اصلی شاه را «اصل و خداوند و مهتر» دانسته‌اند و معانی مجازی مختلفی برای آن برشمرده‌اند و مثال‌هایی نیز ذکر کرده‌اند. برخی از مثال‌های آن‌ها (مانند شاهبیت، شاه‌پر (شهر)، شاه‌توت، شاه‌کار و ...) و نیز ترکیب‌های دیگری را که در دوره‌های متأخرتر ساخته شده‌اند (مانند شاه‌فتر، شاه-لوله، ...) گویندگان زبان کماکان به‌کار می‌برند. بایسته یادآوری است که بیشتر قریب به اتفاق واژه‌های مرکب بزرگ‌ساز که در آن‌ها تکواژ شاه بکار برده شده است، از نوع درون‌مرکز هسته‌پایانی‌اند، اما نمونه‌هایی از ترکیب‌های برون-مرکز نیز دیده می‌شود (مانند شاه‌میوه که میوه‌گلایی را توصیف می‌کند). از نظر معنایی نیز در بسیاری از این ترکیب‌های معانی، بزرگ بودن از نظر اندازه یا یک ویژگی دیگر با معانی ذهنی یا اظهار نظر گوینده هم‌وقوعی دارند.

جدول ۱: بزرگ‌سازی با تکواژ «شاه» در زبان فارسی در معنای «اصلی»،

«مهم» و «بزرگ»

معنی یا ارزش - گذاری ذهنی	معنی کمی (توصیفی)	نوع واژه مرکب	واژه	
	بزرگ (طولانی) بودن، اصلی بودن	درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌رود	۱
با ارزش و مغذی بودن		برون‌مرکز	شاه‌میوه	۲
مهم بودن	اصلی بودن، مرکزیت داشتن	درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌بندر	۳
مهم بودن	اصلی بودن	درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌پر (شهر)	۴
با ارزش و مغذی بودن		درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌دانه	۵
	اصلی بودن	درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌راه	۶
در کار دزدی ماهر و سرآمد		درون‌مرکز هسته‌پایانی	شاه‌دزد	۷

مرکبی؛ ذیل مقوله صفت قرار می‌گیرند. واژه مرکب درون-مرکز ممکن است؛ هسته‌آغازی یا هسته‌پایانی باشد، یعنی واژه اول هسته باشد یا واژه دوم. در میان ساخت‌های بزرگ‌ساز در زبان فارسی نیز هر دو نوع واژه مرکب درون‌مرکز و برون-مرکز مشاهده می‌شود، اما همه واژه‌های مرکب بزرگ‌ساز درون‌مرکز از نوع هسته‌پایانی‌اند.

در زبان فارسی از تکواژهای بسیاری برای تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز استفاده شده است و در زمان حاضر نیز برخی از آن‌ها کمابیش به‌همین منظور به‌کار برده می‌شوند. تکواژهایی چون «شاه»، «مادر»، «خر» و «گنده» از جمله مهم‌ترین تکواژهایی هستند که هنوز در زبان فارسی کمابیش از آن‌ها در فرایند ترکیب و بسا دوگان‌سازی برای بزرگ‌سازی استفاده می‌شود. همچنین در گذشته از تکواژهای دیگری چون مه، والا، نره، گاو، فیل یا پیل، گران و مانند آن‌ها در تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز استفاده شده است. ترکیب‌هایی چون والاگهر، والامقام، مه‌بانو، مه‌مغان، نره‌شیر، نره‌غول، گاوزنبور، گاوصندوق، فیل‌پا، فیل‌زور، گران‌شکم، گران‌چشم و مانند آن‌ها نمونه‌هایی برای کاربرد این تکواژهاست. بیشتر این تکواژها دیگر زایا نیستند و به‌نظر می‌رسد ساخت‌های حاصل از آن‌ها در زبان فارسی واژگانی شده‌اند.

۱-۲-۱. بزرگ‌سازی با فرایند ترکیب در زبان

فارسی

در این بخش نمونه‌هایی را از بزرگ‌سازی با تکواژهای «شاه»، «خر» و «گنده» و «مادر» در زبان فارسی معرفی می‌کنیم. لازم به توضیح است که این چهار تکواژ به‌این دلیل برگزیده شدند که ترکیب‌های حاصل از آن‌ها با توجه به تعریفی که پیشتر از گراندی نقل کردیم، قطعاً در مقوله بزرگ‌سازی قرار می‌گیرند.

۱-۲-۱-۲. تکواژ «شاه»

نظر به قدمت واژه «شاه» و نقشی که شاهان در طول

۴	خرپول	برون مرکز	زیادی یک چیز (در این مورد «پول»)	برخورداری به ناحق
۵	خرزور	برون مرکز	زیادی یک ویژگی	بیش از سطح هنجار
۶	خرسنگ	درون مرکز هسته پایانی	بزرگ از نظر اندازه	بی فایده بودن

۲-۱-۱-۳. تکواژ «گنده»

جدول ۳: بزرگ‌سازی با تکواژ «گنده» در زبان فارسی در معنای «بزرگی یا زیادی» و «تضعیف» یا «تحقیر»

واژه	نوع واژه مرکب	معنای کمی	معنا یا ارزش گذاری ذهنی
۱ گنده‌گو	برون مرکز		تحقیر، بالاتر از حد خود سخن گفتن
۲ گنده‌بک	برون مرکز	بزرگ	بی ارزش
۳ گنده‌پیل	درون مرکز	بزرگ	
۴ گنده‌پران	برون مرکز		تحقیر، بالاتر از حد خود سخن گفتن
۵ گنده‌لات	برون مرکز	خطرناک	تحقیر
۶ کله‌گنده	برون مرکز		مهم و بانفوذ، تحقیر

۲-۱-۱-۴. تکواژ «مادر»

ماتیسف (Matissof, ۱۹۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مادر همه تکواژها»، گسترش‌های استعاری کلمه‌های مادر و بیچه و دستوری‌شدگی آن‌ها در زبان‌های عربی، انگلیسی و زبان‌های جنوب شرق آسیا را بررسی می‌کند. در زبان فارسی تقابل تکواژهای «مادر» و «بیچه» به وسعت زبان‌های شرق آسیا نیست، اما کاربرد این کلمه در برخی از هماینها به آن زبان‌ها شباهت دارد و آن کاربرد کلمه «مادر» در معنی اصل و سرچشمه است (مانند مادرچاه، مادرخرج، یا برخی از ترکیب‌های عربی همچون ام‌الفساد یا ام‌القراء که در فارسی رایج است). اما سایر کارکردها و معانی بزرگ‌ساز این کلمه در زبان‌های شرق آسیا در زبان فارسی به کلمات دیگر و

۸	شاه‌کلید	درون مرکز هسته پایانی	نمونه اعلی یا نمونه اصلی بودن	مهم بودن
۹	شاه‌بیت	درون مرکز هسته پایانی	اصلی بودن	مهم بودن
۱۰	شاه‌ماهی	درون مرکز هسته پایانی		مغذی بودن

۲-۱-۱-۲. تکواژ «خر»

این تکواژ در گذشته در واژه‌هایی چون خرمگس، خرگردن، خرمهره، خرسنگ، خرچنگ و مانند آن‌ها به کار برده شده است که به نظر می‌رسد، اکنون واژگانی شده‌اند، اما ترکیب‌های نسبتاً جدیدتری چون خرشانس، خرپول و مانند آن‌ها نیز با این تکواژ تولید شده‌اند که نشانه زایا بودن آن است. در میان ترکیب‌های بزرگ‌ساز با تکواژ «خر» هر دو نوع درون مرکز و برون مرکز دیده می‌شود، اما جملگی ترکیب‌های درون مرکز هسته پایانی‌اند. از نظر معنا نیز برخی از واژه‌های مرکبی که با این تکواژ ساخته شده‌اند، نمونه اعلای ساخت-های بزرگ‌سازند که در آن‌ها معنی کمی یا توصیفی بزرگ-بودن (از نظر اندازه) با معنی ذهنی یا همان داوری گوینده مبنی بر کم‌ارزشی یا بی‌فایده بودن شیء توصیف شده هم-وقوعی دارند. در نتیجه، این تکواژ هم‌زمان هم بر «بزرگ-بودن» دلالت می‌کند هم «تضعیف» یا «تحقیر» را می‌رساند. این تکواژ امروزه به اندازه گذشته در تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز زایا نیست.

جدول ۲: بزرگ‌سازی با تکواژ «خر» در زبان فارسی در معنای «بزرگی یا زیادی» و «تضعیف» یا «تحقیر»

واژه	نوع واژه مرکب	معنای کمی	معنا یا ارزش-گذاری ذهنی
۱ خرمهره	درون مرکز هسته پایانی	بزرگ از نظر اندازه	کم ارزش بودن
۲ خرمگس	درون مرکز هسته پایانی	بزرگ از نظر اندازه	مزاحم بودن
۳ خرشانس	برون مرکز	زیادی یک ویژگی (در این مورد شانس)	برخورداری به ناحق

صورت، در نتیجه دوگان‌سازی واژه جدیدی با معنی متفاوت از معنی واژه پایه تولید شود.

به اعتقاد دبیرمقدم و ملکی (۱۳۹۵) ساخت‌های

دوگان‌سازی شده در فارسی با توجه به بافتی که در آن به کار برده می‌شوند، معانی متفاوتی می‌توانند داشته باشند. بررسی انواع مختلف این نوع واژه‌ها در زبان فارسی نشان می‌دهد که بیشتر کارکرد اصلی آن‌ها، انتقال یکی از دو معنای کلی بزرگ‌سازی (افزایش، تشدید، تقویت، انبوهی، بی‌شماری که با مقایسه و ارزش‌گذاری همراهاند) یا استمرار و کشش در زمان یا مکان است (توصیف وضعیت که برای مدتی طول کشیده یا توصیف فاصله یا موقعیت مکانی که شاید بی‌ارتباط با بزرگ‌سازی نباشد). به نظر می‌رسد در زبان فارسی واژه‌های دوگان‌سازی شده که ذیل ساخت‌های بزرگ‌ساز قرار می‌گیرند فزونتر از نوع تکرار کامل‌اند و معنی آن‌ها بیشتر از نوع معانی کیفی است، یعنی نظر یا احساس گوینده را می‌رسانند. با این حال، در میان این واژه‌ها نمونه‌هایی از دوگان‌سازی افزوده نیز دیده می‌شود. در ادامه تعدادی از واژه‌های دوگان‌سازی شده به همراه معانی آن‌ها معرفی می‌شوند.

جدول ۵: بزرگ‌سازی با فرایند دوگان‌سازی در زبان فارسی

واژه	معنی	مثال
۱ هزارهزار	بی‌شماری	هزارهزار خاطرخواه دارد. در مقایسه با هزار خاطرخواه دارد.
۲ تکه‌تکه	شدت	گوشت را تکه‌تکه کرد. در مقایسه با گوشت را تکه کرد.
۳ بلندبلند	شدت	مهمانتان بلندبلند حرف می‌زد. در مقایسه با مهمانتان بلند حرف می‌زد.
۴ پاره‌پاره	شدت	نامه را پاره‌پاره کرد. در مقایسه با نامه را پاره کرد.
۵ سوراخ‌سوراخ	افزایش	لباسش سوراخ سوراخ بود. در مقایسه لباسش سوراخ بود.
۶ خرامان‌خرامان	شدت	خرامان‌خرامان می‌رفت. در مقایسه با خرامان می‌رفت.
۷ فرفری	افزایش	موهاش فرفری بود. در مقایسه با موهاش فر بود.
۸ ریش‌ریش	شدت	دلم ریش‌ریش شد. در مقایسه با دلم ریش شد.

عمدتاً به کلمه «شاه» داده شده است که نشان‌دهنده گرایش منطقه‌ای در ایران فرهنگی است که «شاه» در آن «اصل و خداوند» بود.

تکواژ «مادر» در زبان فارسی در معدودی از ساخت‌ها و در معنی «سرچشمه» یا «اصلی» به کار برده شده است. در ترکیب‌هایی که با کلمه «مادر» تولید شده‌اند، فرایند قلب نیز روی داده است، زیرا عبارت‌هایی چون نقشه مادر، سند مادر، طرح مادر، و مانند آن‌ها امروزه به کار برده می‌شوند که یا هنوز به واژه مرکب تبدیل نشده‌اند و در آن‌ها قلب اتفاق نیفتاده است، و یا به هر دو شکل گروه نحوی و واژه مرکب به کار برده می‌شوند (مانند، سند مادر که به شکل مادرسند نیز به کار برده می‌شود) که نشان می‌دهد آن فرایندها در حال وقوع‌اند.

جدول ۴: بزرگ‌سازی با تکواژ «مادر» در زبان فارسی در معانی «اصل» و

«سرچشمه»

واژه	نوع واژه مرکب	معنای کمی (توصیفی)	ارزش‌گذاری ذهنی
۱ مادرچاه	درون‌مرکز هسته‌پایانی	«سرچشمه» یا «اصلی» بودن	
۲ مادرخرج	برون‌مرکز	«سرچشمه» بودن	
۳ مادرشهر (کلان‌شهر)	درون‌مرکز هسته‌پایانی	اصلی بودن، مرکزیت داشتن	مهم بودن
۴ مادرکلید (شاه-کلید)	درون‌مرکز هسته‌پایانی	اصلی بودن	مهم بودن
۵ مادرسند	درون‌مرکز هسته‌پایانی	اصلی بودن	مهم بودن

۲-۲. بزرگ‌سازی با فرایند دوگان‌سازی

دوگان‌سازی یا مضاعف‌سازی یا تکرار نیز از جمله فرایندهای زایا و پرکاربرد برای ساختن واژه‌های جدید در زبان فارسی و از جمله برای تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز است. در این فرایند، واژه جدید در نتیجه تکرار تکواژ یا واژه پایه ساخته می‌شود و تکرار می‌تواند کامل یا ناقص و با افزوده یا بدون افزایش باشد، یعنی واژه پایه ممکن است به طور کامل یا بخشی از آن تکرار شود، یا در جریان تکرار تکواژ دیگری به آن افزوده شود یا بخشی از واژه پایه حذف شود. در هر

آوایی چینی نویسه‌ها محسوب می‌شوند که به این واژه‌ها اصطلاحاً چینی‌ژاپنی (Sino-Japanese) می‌گویند. داشتن این ویژگی‌ها باعث می‌شود در مطالعه ساخت‌واژه زبان ژاپنی برخی پژوهشگران تلفظ‌های ژاپنی و چینی یک نویسه را صورت‌هایی متفاوت از یک تکواژ واحد قلمداد کنند. برای مثال، میاکه (Miyake, ۱۹۹۹) به تحلیل تکواژهای /o/ و /go/ ژاپنی می‌پردازد. این دو تکواژ که با یک نویسه واحد (御) نوشته می‌شوند، برای تلطیف و مؤدبانه ساختن به ابتدای اسم‌ها افزوده می‌شوند. در ابتدای اسم‌های ژاپنی این نویسه /o/ و در ابتدای اسم‌های چینی‌ژاپنی /go/ تلفظ می‌گردد. برای تحلیل این موضوع، میاکه قائل به وجود یک تکواژ «مؤدبانه‌ساز» واحد در زبان ژاپنی می‌شود که دارای دو تکواژگونه /o/ و /go/ است. این تکواژ انتزاعی در ترکیب با واژه‌های ژاپنی به شکل تکواژگونه ژاپنی (/o/) و در ترکیب با واژه‌های چینی‌ژاپنی به شکل تکواژگونه چینی‌ژاپنی (/go/) ظاهر می‌شود.

در فرایند بزرگ‌سازی نیز تکواژهایی شرکت می‌کنند که گاهی با تلفظ ژاپنی و گاهی با تلفظ چینی‌ژاپنی ظاهر می‌شوند. به همین دلیل، در پژوهش حاضر برای توصیف و طبقه‌بندی این تکواژها از تحلیلی مشابه میاکه (۱۹۹۹) استفاده می‌کنیم. به این شکل که هریک از تکواژهای بزرگ‌ساز را به شکل یک تکواژ انتزاعی در نظر می‌گیریم و این تکواژ انتزاعی را با نویسه کانجی مربوطه نشان می‌دهیم و تکواژگونه‌های ژاپنی و چینی‌ژاپنی آن را با واج‌نگاری نشان خواهیم داد.

۳-۲. بزرگ‌سازی با فرایند ترکیب در زبان ژاپنی

همان‌طور که در بخش‌های پیشین به نقل از کورت-ولیس آوردیم، در ساخت‌های ارزش‌گذار نظیر بزرگ‌سازی، بیشتر معانی کمی (توصیفی) و کیفی (ذهنی) هم‌وقوعی دارند و جداسازی این دو کارکرد از یکدیگر در ساخت‌های بزرگ‌سازی دشوار و در مواقعی ناممکن است. در بررسی ترکیب‌های بزرگ‌ساز در زبان ژاپنی مشخص شد که بیشتر این ترکیب‌ها معانی کیفی و ذهنی دارند، اما در برخی موارد

در این بخش به سازوکارهای زبان ژاپنی برای بزرگ‌سازی معنایی اشاره خواهیم کرد. فرایندهای بزرگ‌سازی در زبان ژاپنی نیز مانند فارسی، به‌طور کلی به دو دسته ترکیب و دوگان‌سازی کامل تقسیم می‌شوند که در ادامه به‌طور کامل معرفی خواهند شد. اما پیش از آن بایسته است که در باره ساخت‌واژه زبان ژاپنی و فرایندهای واژه‌سازی در آن توضیح دهیم.

۳-۱. ساخت‌واژه زبان ژاپنی

به لحاظ رده‌شناختی زبان ژاپنی جزو زبان‌های التصاقی یا پیوندی است که در آن ریشه یک واژه می‌تواند به‌عنوان پایه، وندهای اشتقاقی و تصریفی متعددی بگیرد و هر وند نقش دستوری و معنایی خاصی بر عهده دارد. ایتو و مستر (Ito & Mester, ۲۰۱۵) ضمن بررسی فرایندهای واژه‌سازی در زبان ژاپنی کوشیده‌اند تفاوت بین فرایند ترکیب و وندافزایی را روشن سازند. از دیدگاه آنان، برخلاف وندافزایی که در آن یک وند به‌ریشه اضافه می‌شود، در ترکیب، دو ریشه با پیوستن به یکدیگر کلمه جدید می‌سازند. به‌کارگیری نظام نوشتاری واژه‌نگار چینی (کانجی) موجب شده است که در زبان ژاپنی هر نویسه کانجی دو صورت آوایی مجزا داشته باشد: نخست صورت آوایی ژاپنی که در حقیقت تلفظ واژه ژاپنی هم‌معنا با معنای نویسه چینی است و گونه دوم، صورت آوایی چینی نویسه که تلفظی مشابه با تلفظ تکواژ مربوطه در زبان چینی است. برای مثال نویسه 山 به معنی «کوه» در کلمات اصیل ژاپنی /yama/ تلفظ می‌شود که واژه ژاپنی به معنای «کوه» است، در حالی که همین نویسه، در وام‌واژه‌های چینی /san/ تلفظ می‌گردد که واژه چینی به معنای «کوه» است.

همچنین گویشوران زبان ژاپنی، طی قرون متمادی، با کنار هم گذاشتن نویسه‌ها واژه‌های بسیاری را با فرایند ترکیب ساخته‌اند. بسیاری از این واژه‌ها با آن که در آن‌ها نویسه‌ها با صورت آوایی چینی خود تلفظ می‌شوند، در حقیقت وام‌واژه چینی نیستند و واژه‌های برساخته ژاپنی‌ها با صورت‌های

تکواژی که با نویسه 大 نشان داده می‌شود، در زبان

چینی و ژاپنی به معنای «بزرگ» و «عظیم» است. این نویسه در صورت افزوده شدن به واژه‌هایی که تلفظ ژاپنی دارند، با صورت آوایی ژاپنی خود یعنی /ō/ ظاهر می‌شود و در صورت افزوده شدن به واژه‌هایی که تلفظ چینی دارند (وام‌واژه‌های چینی و واژه‌های دارای تلفظ چینی ساخته شده در ژاپن) با صورت آوایی چینی ژاپنی خود یعنی /dai/ ظاهر می‌شود. فرایند بزرگ‌سازی با افزودن تکواژ 大 به ابتدای واژه‌ها فرایندی بسیار زایا است و گویشوران می‌توانند با این ترکیب واژه‌های جدید بسازند.

شاهد معانی صرفاً کمی نیز هستیم، هرچند به دلیل هم‌وقوعی این دو نوع معنی، تفکیک آن‌ها از یکدیگر اغلب دشوار است. نکته جالب درباره ترکیب‌های بزرگ‌ساز ژاپنی آن است که در بررسی این ترکیب‌ها مشخص شد که واژه‌های مرکب برون‌مرکز بسیار نادر هستند و اغلب ترکیب‌های بزرگ‌ساز ژاپنی در خود هسته دارند. در بخش‌های بعدی هشت تکواژ را که در زبان ژاپنی برای بزرگ‌سازی به کار می‌روند با ذکر مثال معرفی می‌کنیم و به بررسی ویژگی‌های ساخت‌وازی و معنایی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳. تکواژ 大 به معنی «بزرگ، عظیم»

جدول ۶: بزرگ‌سازی با ترکیب تکواژ 大 با دو تکواژگونه /dai/ و /ō/ به معنی «بزرگ، عظیم»

ب) بزرگ‌سازی به صورت تکواژگونه ژاپنی /ō/			الف) بزرگ‌سازی به صورت تکواژگونه چینی ژاپنی /dai/		
大	川	大川	大	木	大木
۱	/ō/ + /kawa/	→ /ōkawa/	۱	/dai/ + /boku/	→ /daiboku/
	«بزرگ»	«رودخانه بزرگ»		«درخت»	«درخت بزرگ»
大	雨	大雨	大	地震/jishin/	大地震
۲	/ō/ + /ame/	→ /ōame/	۲	/dai/ + «زلزله»	→ /daijishin/
	«باران»	«باران شدید»		«بزرگ»	«زلزله شدید»

کاملاً، دقیقاً ارزش‌گذاری ذهنی گوینده را نشان می‌دهد و موجب تشدید و بزرگ‌سازی معنای واژه می‌شود. این تکواژ در افزوده شدن به واژه‌های ژاپنی به صورت تکواژگونه‌های /ma/ یا /man/ و در صورت افزوده شدن به واژه‌های چینی ژاپنی به صورت تکواژگونه /shin/ ظاهر می‌شود.

۲-۲-۳. تکواژ 真 به معنی «واقعی، حقیقی»

این تکواژ به تنهایی به معنی «راستین، حقیقی، واقعی و حقیقت» است و وقتی برای بزرگ‌سازی به ابتدای واژه‌ای افزوده می‌شود، با افزودن بار معنایی مانند «واقعی، شدید،

جدول ۷: بزرگ‌سازی با تکواژ 真 با سه تکواژگونه /man/، /ma/ و /shin/ به معنی «راستین، حقیقی، واقعی و حقیقت»

真	上	真上	真	正直	真正直
۱	/ma/ + /ue/	→ /maue/	۲	/ma/ + /shōjiki/	→ /mashōjiki/
	«واقعی»	«کاملاً بالا»		«صادق»	«کاملاً صادق»
真	白	真白	真	冬	真冬
۳	/ma/ + /shiro/	→ /masshiro/	۴	/ma/ + /fuyu/	→ /mafuyu/
	«سفید»	«کاملاً سفید»		«زمستان»	«اوج زمستان»

معنای آن‌ها می‌شود و ارزش‌گذاری ذهنی گوینده را نشان می‌دهد. همان‌طور که از مثال‌های زیر مشخص است، واژه‌های حاصل از بزرگ‌سازی با ترکیب این تکواژ اگرچه نه همیشه اما عموماً بار معنایی منفی دارند.

۳.۲.۳. تکواژ 激 به معنی «شدید»

این تکواژ که به معنی «شدید، تند، سخت، خشن» است، به هنگام ترکیب شدن با اسم‌ها یا صفت‌ها، موجب تشدید

激	変	激変	激	臭	激臭
۱ /geki/ +	/hen/ →	/gekihen/	۲ /geki/ +	/shū/ →	/gekishū/
«شدید»	«تغییر»	«تغییر شدید»	«شدید»	«بو»	«بوی تند»
激	減	激減	激	暑	激暑
۳ /geki/ +	/gen/ →	/gekigen/	۴ /geki/ +	/sho/ →	/gekisho/
«شدید»	«کاهش»	«کاهش شدید»	«شدید»	«گرم»	«گرمای شدید»

تجاوز کردن، بیش از حد، زیادی» است. نخست به بررسی تکواژگونه چینی ژاپنی آن می‌پردازیم. صورت چینی ژاپنی /ka/ به ابتدای اسم‌ها افزوده می‌شود و بار معنایی نظیر «بیش از حد، زیادی، خیلی و ...» به کلمه می‌دهند. این ترکیب‌های صرفاً ارزش‌گذار ذهنی گوینده را نشان می‌دهند و در بسیاری از موارد بار معنایی منفی دارند.

۳-۲-۴. تکواژ 過 به معنی «گذر کردن، از حدی گذشتن»

این تکواژ به صورت تکواژگونه ژاپنی /sugi/ و تکواژگونه چینی ژاپنی /ka/ ظاهر می‌شود و به معنای «گذر کردن، گذشتن، از کنار چیزی گذشتن، از حدی عبور کردن،

جدول ۹: بزرگ‌سازی با تکواژ 過 به صورت تکواژگونه /ka/ به معنی «گذر کردن، از حدی عبور کردن، تجاوز کردن»

過	大	過大	過	半	過半
۱ /ka/ +	/dai/ →	/kadai/	۲ /ka/ +	/han/ →	/kahan/
«گذر»	«بزرگ»	«بیش از حد بزرگ»	«گذر»	«نصف»	«اکثریت»
過	勞	過勞	過	言	過言
۳ /ka/ +	/rō/ →	/karō/	۴ /ka/ +	/gon/ →	/kagon/
«گذر»	«کار»	«کار بیش از حد»	«گذر»	«گفته»	«اغراق»

تکواژ 超 به معنی «فوق، مافوق»

این تکواژ به معنای «فوق، مافوق چیزی بودن، از میزانی گذر کردن، از حدی گذشتن» است و به لحاظ معنایی شباهت زیادی با تکواژ 過 دارد که در بالا معرفی شد. این تکواژ به صورت تکواژگونه چینی ژاپنی /chō/ به ابتدای اسم‌ها افزوده می‌شود و بار معنایی «مافوق... فوق، ابر و ...» به آن‌ها می‌دهد. «رسانا» /dendō/ + «فوق» /chō/ 超 → «ابررسانا» /chōdendō/ 超電導

تکواژ 主 به معنی «اصلی، مهم»

این تکواژ در زبان چینی و زبان ژاپنی در اصل به معنی «صاحب، مالک، ارباب و شوهر» است اما به تنهایی و در ترکیب‌های در معنای «اصلی، مهم و محوری» نیز به کار می‌رود. این تکواژ با افزوده شدن به ابتدای واژه، بار معنایی ذهنی «اصلی، مهم و ...» به واژه می‌دهد و موجب تشدید و

همچنین تکواژگونه ژاپنی این تکواژ یعنی /sugi/ که ریشه فعل /sugi-ru/ به معنای «گذشتن و عبور کردن» نیز هست، اغلب به شکل فعل کمکی به انتهای افعال و صفت‌های ژاپنی افزوده می‌شود و معنای «زیاده انجام دادن، بیش از حد انجام دادن، چندباره انجام دادن، و ویژگی خاصی را بیش از حد داشتن» به فعل یا صفت می‌دهند. این ترکیب نیز زایایی نسبتاً زیادی در زبان ژاپنی دارد. این ترکیب‌های نیز ارزش‌گذار ذهنی گوینده را نشان می‌دهند و تقریباً همیشه بار معنایی منفی دارند.

۳-۲-۵. سایر تکواژهای بزرگ‌ساز

علاوه بر چهار تکواژ معرفی شده در بالا دست‌کم پنج تکواژ دیگر نیز با شرکت در ترکیب در فرایند بزرگ‌سازی در زبان ژاپنی نقش دارند که در این بخش این پنج تکواژ به اختصار معرفی می‌شوند و برای هر یک مثالی آورده می‌شود.

بزرگ‌سازی معنایی آن به شکل مثبت می‌شود.

Archive of SID ژاپنی امروز زایایی چندانی ندارد.

主 /shu/ «غذا» + 食 /shoku/ «اصلی»

親 /oya/ «والد» + 柱 /hashira/ «ستون»

→ 主食 /shushoku/ «قوت غالب»

→ 親柱 /oyabashira/ «ستون اصلی»

تکواژ 母 به معنی «مادر»

تکواژ 正 به معنی «صحیح و درست»

این تکواژ که در زبان‌های چینی و ژاپنی به معنای «مادر» است نیز با افزوده شدن به ابتدای واژه به صورت تکواژگونه چینی ژاپنی /bo/ ظاهر می‌شود و بار معنایی «اصلی، مهم، بزرگ» به‌واژه می‌دهد. البته این تکواژ در چند مورد با تلفظ ژاپنی /omo/ ظاهر می‌شود که احتمالاً با تکواژ ژاپنی 主 /omo/ به معنای «مهم، اصلی» که در بالا معرفی شد مرتبط است. ماتیسف (۱۹۹۱) که با بررسی نقش تکواژ دارای معنی «مادر» در زبان‌های مختلف شرق و جنوب آسیا به زبان ژاپنی نیز پرداخته است و مثال‌هایی از زبان ژاپنی را نیز آورده است. به نقش این تکواژ در بزرگ‌سازی زبان ژاپنی اشاره کرده است. البته نباید از نظر دور داشت که بسیاری از این مثال‌ها در حقیقت در زبان ژاپنی وام‌واژه هستند و به همان شکل از زبان چینی وارد زبان ژاپنی شده‌اند. بیشتر این ترکیب‌ها معنای ذهنی دارند، اما در برخی از آن‌ها معنای «بزرگی اندازه» نیز با معنای ذهنی «مهم و اصلی» هم‌وقوعی دارد. بزرگ‌سازی با ترکیب این تکواژ در حال حاضر در زبان ژاپنی زایایی ندارد.

این تکواژ به تنهایی و در ترکیب‌های معنایی مختلفی از جمله «صحیح، دقیق، درست، عادلانه، منصفانه، عدالت، حقیقت و ...» دارد. در بزرگ‌سازی با این تکواژ، افزوده شدن آن به ابتدای واژه‌ها به شکل تکواژگونه چینی /sei/ بار معنایی «کاملاً، دقیقاً، خیلی، اصلی و ...» به‌واژه می‌دهد و موجب بزرگ‌سازی ذهنی معنای آن می‌شود.

«ناو» /kan/ + «مادر» /bo/ 母

«دروازه» /mon/ + «صحیح» /sei/ 正

→ 母艦 /bokan/ «ناو اصلی»

→ 正門 /seimon/ «دروازه اصلی»

«اتاق» /ya/ + «مادر» /omo/ 母

علاوه بر تکواژهای ژاپنی و چینی ژاپنی یاد شده، در قرون اخیر برخی واژه‌ها یا تکواژهای قرضی از زبان‌های اروپایی وارد زبان ژاپنی شده‌اند و با ترکیب با سایر واژه‌ها در فرایندهای بزرگ‌سازی ایفای نقش می‌کنند که از آن میان می‌توان به -super-، -mega-، -ultra و ... اشاره کرد

→ 母屋 /omoya/ «اتاق اصلی»

۳-۳. بزرگ‌سازی با فرایند دوگان‌سازی کامل در

زبان ژاپنی

در زبان ژاپنی نیز، مانند زبان فارسی، از فرایند دوگان‌سازی کامل برای بزرگ‌سازی استفاده می‌شود. اما تفاوتی عمده بین دو زبان در استفاده از دوگان‌سازی وجود دارد. در زبان ژاپنی تکواژ عمومی برای نشانه جمع وجود ندارد و در اغلب موارد، جمع یا مفرد بودن واژه کاملاً فاقد تظاهر آشکار زبانی است. بنابراین، در این زبان از دوگان‌سازی به‌عنوان سازوکاری برای نشان دادن جمع استفاده می‌شود. یعنی اسم‌های مفرد پس از انجام فرایند دوگان‌سازی تبدیل به اسم جمع می‌شوند. البته این فرایند زایایی زیادی ندارد و اسم‌هایی که با دوگان‌سازی اسم جمع می‌شوند فهرست بسته و مشخصی دارند.

تکواژ 親 به معنی «والد، پدر و مادر»

از دوگان‌سازی برای بزرگ‌سازی معنای واژه‌ها نیز استفاده می‌شود. با این که فرایند جمع‌سازی توصیف افزایش

کاربرد این تکواژ نیز بسیار مشابه تکواژ «مادر» است. این تکواژ به معنی «والد، پدر و مادر» و همچنین «صمیمیت، نزدیکی» و «خانواده، خویشاوندی» است. در ترکیب‌های تکواژگونه ژاپنی این تکواژ یعنی /oya/ به ابتدای واژه افزوده می‌شود و بار معنایی «بزرگ‌تر، مهم، رییس، اصلی و ...» به‌واژه می‌دهد. معنای اصلی کلمات حاصل از این ترکیب ذهنی است، اما در مثال‌هایی مانند «انگشت شست» بزرگی اندازه نیز مشاهده می‌شود. این نوع بزرگ‌سازی نیز در زبان

زبان فارسی و ژاپنی، از یکسو به تعمیم‌هایی دست یافتیم که از آن‌ها می‌توان در تأیید یا رد مبانی نظریه ساخت‌واژه ارزش‌گذار استفاده کرد و از سوی دیگر، مقایسه این ساز و کارها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را بین دو زبان آشکار کرد که از این یافته‌ها نیز می‌توان در تدریس زبان ژاپنی بهره‌برداری کرد.

این بررسی، نشان داد که در هر دو زبان فارسی و ژاپنی، ترکیب عهده‌دار نقش اصلی در بزرگ‌سازی است. فرایند ترکیب به‌منظور بزرگ‌سازی در این دو زبان طبقه واژگانی کلمات را تغییر نمی‌دهد. به این معنی که مثلاً اسم‌ها پس از فرایند بزرگ‌سازی کماکان اسم باقی می‌مانند، یعنی برخلاف فرایندهای اشتقاقی که معمولاً مقوله دستوری کلمه پایه را تغییر می‌دهند، در فرایند ارزش‌گذاری، با اینکه واژه جدید ساخته می‌شود، مقوله دستوری واژه بدست آمده با واژه پایه یکسان است و تغییر نمی‌کند. از این رو، نتایج تحقیق با این نظر اسکالیس (۱۹۸۴، ۱۹۸۶) همسو است که قواعدی متفاوت از قواعد دو گستره تصریف و اشتقاق بر ساخت‌واژه ارزش‌گذار حاکم است و بنابراین ساخت‌واژه ارزش‌گذار را می‌توان گستره‌ای جداگانه در نظر گرفت.

گراندی (۲۰۰۵: ۴) می‌گوید در همه زبان‌هایی که در آن‌ها هم ساخت‌های کوچک‌ساز و هم بزرگ‌ساز وجود دارد، در تشکیل ساخت‌های کوچک‌ساز حتماً از وند استفاده می‌شود، اما در بزرگ‌سازی لزوماً از وند استفاده نمی‌شود و ممکن است از فرایندهای دیگری چون ترکیب، دوگان‌سازی و مانند آن‌ها استفاده شود. نتایج بدست آمده از بررسی حاضر این تعمیم او را در مورد زبان فارسی بطور کامل تأیید می‌کند. در زبان فارسی از وندهای متعددی برای کوچک‌سازی استفاده می‌شود، اما برای بزرگ‌سازی نه از وند که از فرایندهای ترکیب و دوگان‌سازی استفاده می‌شود. وضعیت در باره زبان ژاپنی اندکی متفاوت است، زیرا در این زبان برای تشکیل هر دو نوع ساخت کوچک‌ساز و بزرگ‌ساز، فزوتتر؛ از فرایند ترکیب استفاده می‌شود نه از وند.

اما درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان فارسی و

کمی است، در دوگان‌سازی برای بزرگ‌سازی، اغلب شاهد ارزش‌گذاری ذهنی گوینده‌ایم. یعنی پس از انجام این نوع فرایند دوگان‌سازی، واژه حاصل از دید گوینده بار معنایی «بزرگ‌تر، بیشتر، قوی‌تر، شدیدتر پیدا می‌کند». مثال‌هایی از دوگان‌سازی در زبان ژاپنی در زیر آورده شده‌اند. دو مثال نخست مربوط به جمع و دو مثال بعدی مربوط به فرایند بزرگ‌سازیند (نویسه 々 در ژاپنی به معنای تکرار نویسه پیشین است):

山 /yama/ «کوه»

→ 山々 /yamayama/ «کوه‌ها»

我 /ware/ «من»

→ 我々 /wareware/ «ما»

破れ /yabure/ «پارگی»

→ 破れ破れ /yabureyabure/ «پاره‌پاره»

深い /fukai/ «عمیق»

→ 深々 /fukabuka/ «عمق خیلی زیاد»

دومین مثال در بین مثال‌های بالا ساخت ضمیر جمع از ضمیر مفرد با فرایند دوگان‌سازی را نشان می‌دهد. صالحی و داوری اردکانی (۱۳۹۲) به مطالعه و بررسی این‌گونه ضمائر ژاپنی و مقایسه آن با ضمائر فارسی پرداخته‌اند. همان‌طور که در مثال‌ها می‌توان مشاهده کرد، بزرگ‌سازی با فرایند دوگان‌سازی در زبان ژاپنی شباهت زیادی به زبان فارسی دارد. در زبان ژاپنی نیز مانند زبان فارسی، واژه‌های دوگان‌سازی-شده که ذیل ساخت‌های بزرگ‌ساز قرار می‌گیرند، از نوع تکرار کامل‌اند و معنی آن‌ها بیشتر از نوع معانی کیفی است، یعنی نظر یا احساس گوینده را می‌رسانند. برای مثال واژه /yabureyabure/ ژاپنی به معنی «پاره‌پاره» در مثال بالا، به لحاظ معنا و کاربرد بسیار مشابه «پاره‌پاره» فارسی است.

۴. نتیجه

با بررسی و مقایسه سازوکارهای بزرگ‌سازی در دو

دوگان‌سازی به‌شکلی بسیار مشابه برای بزرگ‌سازی، به‌خصوص بزرگ‌سازی با ارزش‌گذاری کیفی استفاده می‌کنند، با این تفاوت که اولاً در زبان فارسی علاوه بر دوگان‌سازی کامل در برخی موارد از دوگان‌سازی افزوده نیز استفاده می‌شود، در حالی که در زبان ژاپنی اساساً دوگان‌سازی کامل برای این منظور استفاده می‌شود. ثانیاً، زبان ژاپنی از دوگان‌سازی کامل برای دو کاربرد جمع‌سازی و بزرگ‌سازی استفاده می‌کند، اما در زبان فارسی از این فرایند علاوه بر بزرگ‌سازی، برای بیان استمرار بهره گرفته می‌شود. البته می‌توان گفت که هم مفهوم جمع در ژاپنی و هم مفهوم کشش و استمرار در زبان فارسی که با دوگان‌سازی بیان می‌شوند، به‌نوعی با مفهوم کلی بزرگ‌سازی مرتبطند.

ممکن است در نگاه اول چنین به‌نظر برسد که بزرگ‌سازی در زبان ژاپنی گسترده‌تر از زبان فارسی است. اگرچه تأیید این برداشت نیز نیازمند بررسی آماری کلیه عناصر بزرگ‌ساز در زبان ژاپنی و مقایسه آنها با فارسی است، اما واقعیت آشکار این است که واژه‌سازی در ژاپنی با شیوه ترکیب و دوگان‌سازی آسان‌تر و رایج‌تر از زبان فارسی است. در زبان فارسی افزون بر واژه‌های مرکب، از ترکیب‌های نحوی به‌وفور استفاده می‌شود، در حالی که در زبان ژاپنی همان ترکیب‌های نحوی به‌صورت واژه‌های مرکب بیان می‌شوند که همین امر ممکن است موجب این تصور بشود که این فرایندها در زبان ژاپنی گسترده‌ترند.

ژاپنی در خصوص تشکیل ساخت‌های بزرگ‌ساز نیز تحقیق حاضر به‌نتایجی دست یافته است. از جمله شباهت‌ها یکی این است که در هر دو زبان در طول زمان از تکواژهای مختلفی برای تولید ساخت‌های بزرگ‌ساز استفاده شده است، اما ساخت‌های حاصل از برخی از این تکواژها واژگانی شده‌اند. برای مثال، گویندگان زبان فارسی امروز «شاهدانه» را یک واژه می‌دانند که به‌نوعی دانه اطلاق می‌شود نه ساختی ارزش‌گذار که در آن گوینده ارزش و کیفیتی را به‌یک نوع دانه نسبت می‌دهد. به‌همین منوال، در زبان ژاپنی نیز بسیاری از واژه‌ها که با تکواژ 大 به‌معنی «بزرگ، عظیم» ساخته شده‌اند اکنون در این زبان واژگانی شده‌اند.

همچنین، ترکیب‌هایی که در زبان فارسی با تکواژهایی نظیر «شاه»، «خر»، «مادر» و «گنده» و در زبان ژاپنی با تکواژهایی نظیر «بزرگ»، «اصلی»، «گذر کردن»، «مادر» و غیره ساخته می‌شوند، هم شامل ترکیب‌های درون‌مرکزی هم برون‌مرکز. به‌نظر می‌رسد تعداد ترکیب‌های بزرگ‌ساز برون‌مرکز در زبان ژاپنی بسیار کمتر باشد، هر چند ارزیابی این ادعا نیازمند انجام پژوهشی مستقل با استفاده از پیکره‌های زبانی است. همچنین در هر دو زبان هر دو نوع بزرگ‌سازی که [گران‌دی \(۲۰۰۵\)](#) به‌آن‌ها اشاره کرده است یعنی ارزش‌گذار توصیفی (یا کمی) و ارزش‌گذار کیفی (یا نظر شخصی) وجود دارند. سرانجام اینکه هر دو زبان فارسی و ژاپنی از

منابع

- [Grandi, N. \(2002\). Development and spread of augmentative suffixes in the Mediterranean area. In P. Ramat & T. Stolz \(Eds.\), *Mediterranean Languages* \(pp. 171-190\). Bochum, Germany: Universitätsverlag Dr. N. Brockmeyer University Press.](#)
- [Grandi, N. \(2005\). Sardinian evaluative morphology in typological perspective. In I. Putzu \(Ed.\), *Sardinian in typological perspective* \(pp. 188-209\). Bochum, Germany: Brockmeyer University Press.](#)
- [Grandi, N. \(2017\). *Evaluatives in Morphology*. \[Online\] Available: Oxfon Online publication .](#)

- [Hunston, S. & Thompson, G. \(Eds.\). \(2000\). *Evaluation in text: Authorial stance and the construction of discourse*. Oxford: Oxford University Press.](#)
- [Ito, J. & Mester, A. \(2015\). Word formation and phonological processes. in Kubozono Haruo \(Ed\) *The handbook of Japanese phonetics and phonology*, Walter de Gruyter GmbH & Co KG. 363-395.](#)
- [Körtvélyessy, L. \(2012\). Evaluative morphology from cross-linguistic perspective. Paper presented at the Universals and Typology in Word-Formation II conference, Košice, 26-8.](#)

Matsson, J. A. (1991). The mother of all morphemes: augmentatives and diminutives in areal and universal perspective. In Ratliff Martha & Schiller Eric (eds.), *Papers from the first annual meeting of the Southeast Asian Linguistic Society*, Tempe, AZ, 1991: 293-349.

Miyake, Y. M. (1999). *The Japanese deferential prefix o: A natural history* (Doctoral dissertation), University of Michigan.

Scalise, S. (1984). *Generative morphology*. Dordrecht, The Netherlands: Foris.

Scalise, S. (1986). *Generative Morphology*, 2nd edn, Dordrecht, The Netherlands: Foris.

دبیرمقدم، محمد، ملکی، سیما (۱۳۹۵). تحلیل صوری و معنایی فرایند تکرار کامل در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۸ (۱۴)، ۱-۲۳.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

شقایق، ویدا (۱۳۸۶). مبانی صرف، تهران: انتشارات سمت.

صالحی، زهرا، داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی ضمائر شخصی در فارسی و ژاپنی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۳ (۲)، ۲۰۱-۲۴۲.